



گفت و گوی «ایران» با استاد حسن حب‌الله مسؤل پرونده فلسطین و عضو شورای سیاسی حزب‌الله لبنان

بهترین گزینه برای شکست اسرائیل جنگ فرسایشی است

گفت‌وگو

هادی معصومی زارع

بیروت

حسن حب‌الله را شاید ما ایرانی‌ها کمتر بشناسیم اما در محافل مقاومت از او به عنوان مهندس و معمار روابط با جنبش‌های مقاومت فلسطین تعبیر می‌شود؛ فردی که در سخت‌ترین برهه‌ها ساکنان دار پرونده فلسطین در جنبش مقاومت اسلامی لبنان

بوده و به نوعی جعبه سیاه روابط حزب‌الله با گروه‌های مختلف فلسطینی است. درست یک روز پیش از سخنرانی نخست سیدحسن نصرالله در ضاحیه جنوبی بیروت به دیدار او رفتم و ساعتی درخصوص عملیات طوفان الاقصی به گفت‌وگو نشستیم.

منظورتان این است که حزب‌الله از اینکه قرار است اتفاقی به این بزرگی بیفتد مطلع بود اما زمان و جزئیات عملیات برایش نامشخص بود؟ در ماه‌های منتهی به طوفان الاقصی تصاویری از صالح العاروری

نایب‌رئیس دفتر سیاسی حماس و زئاد نخاله رهبر جنبش جهاد اسلامی در دیدار با سیدحسن نصرالله منتشر شد که کم‌سابقه بود. مانورهای حزب‌الله هم در مجاورت مرزهای اسرائیل با جدیت دنبال می‌شد. برخی براین باورند که مجموع اینها نشان‌دهنده هماهنگی حزب‌الله و حماس در طراحی عملیات ۷ اکتبر است.

ما نه تنها از جزئیات عملیات بی‌خبر بودیم بلکه حتی به کلی از وقوع آن نیز آگاه نبودیم. البته حماس و جهاد اسلامی جنبش‌های مقاومت هستند و در هر لحظه ممکن است در غزه و کرانه باختری درحال انجام عملیات باشند. این یک اصل کلی است، اما تفصیل هر عملیات مانند روش، محل و دیگر جزئیات آن در اختیار گروه و جنبش عمل‌کننده است. الزامی به مشورت با دیگر اضلاع مقاومت ندارند. بله دیدارها و روابط بین حزب‌الله و حماس و جنبش جهاد اسلامی و دیگر گروه‌های مقاومت فلسطین همواره برقرار بوده و هیچ‌گاه قطع نشده است. آن دیدار و تصویر را ضرورتاً نباید حمل بر چنان معنایی کرد. شما اگر به آرشيو مراجعه کنید متوجه می‌شوید که جلسات متعددی میان رهبران حزب‌الله و مقاومت فلسطین به‌صورت رویتین برگزار می‌شود. اسماعیل هنیه چهارم‌راه قبل به بیروت آمد و دیدارهای زیادی با رهبران حزب‌الله از جمله جناب سیدحسن نصرالله داشت و تصاویر آن هم منتشر شد. با این تفسیر نمی‌توان قاطعانه گفت‌که این دیدارها به طوفان الاقصی مربوط بوده است.

اما اتفاقی که بعد از این عملیات افتاد نقش امریکا بود و برای اولین بار در ۷۵ سال اشغال فلسطین و درگیری‌های مختلف میان کشورهای مسلمان عربی و اسرائیل درست در وسط جنگ رئیس‌جمهور امریکا به اسرائیل آمد و گفت «ما همراه با شما در این جنگ هستیم» قبلاً می‌گفتند «ما با شما هستیم». برخلاف تصور بسیاری، هنوز هم که هنوز است بین امریکا و اسرائیل پیمان دفاعی وجود ندارد. چرا؟ چون امریکا تمام خاورمیانه را می‌خواهد و نمی‌خواهد کشورهای عربی را از دست بدهد و به‌طور کامل یک طرف قضیه بایستد. اگر وارد پیمان دفاعی شود رسماً به معنای اعلان جنگ به کشورهای عربی است. امریکا تلاش می‌کرد بازی کند. ولی این‌بار صراحتاً اعلام کرد که بخشی از جنگ علیه حماس و مقاومت است و ناوها و نیروهایش را به‌طور علنی و با آرایش جنگی به منطقه گسیل کرد.

می‌خواهید بگویید که آمدن رئیس‌جمهور امریکا معادله را تغییر داد؟

می‌خواهم بگویم آن چیزی که معادله را تا اندازه‌ای تغییر داد تصدی‌گیری‌علنی و مدیریت جنگ توسط امریکایی‌ها بود. آنها رسماً درحال رهبری جنگ هستند و هزینه‌ها و تبعات جنگ را برعهده گرفته‌اند. این به اسرائیلی‌ها جرأت داد تا جنایت کنند. امریکایی‌ها رسماً اسرائیلی‌ها را تشویق به انتقام کردند. به کشورهای منطقه و جنبش‌های مقاومت پیام دادند که اسرائیل می‌خواهد از حماس و مقاومت فلسطین انتقام بگیرد. شما دامنه جنگ را گسترش ندهید. این گفتمان امریکا هیچ پیامی جز ارتکاب جنایت علیه فلسطینی‌ها در غزه و کوچاندن آنها ندارد. در واقع اسرائیلی‌ها با ریه امریکایی‌ها تنفس می‌کنند.

آی‌رژیم صهیونیستی و امریکا از عملیات طوفان الاقصی در جهت تغییر دموگرافیک و آواره کردن فلسطینی‌ها از نوار غزه استفاده خواهند کرد؟

باید انتظار داشت که امریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها دست به هر کاری بزنند، زیرا آنها نه به هیچ قانونی التزام دارند نه به هیچ اصول اخلاقی و نه تعهدی به قوانین بین‌المللی و حقوق بشر دارند. بویژه در جنگ با ما یعنی جنگ با اعراب و مسلمانان. مثلاً اگر جنگ با روسیه یا اروپا یا با امریکای لاتین باشد به هر حال به سطحی از قوانین شاید پایبند بمانند. اما در تقابل با ما مسلمان‌ها از هر قاعده و چهارچوبی خارج می‌شوند. این همان چیزی است که ما باید آن را لحاظ کنیم. فلذا این برداشت که شرایط پیش‌رو شرایط آسانی است، تصوری اشتباه است. شرایط فعلی بهترین گزینه برای شکست اسرائیل، جنگی فرسایشی است. طبیعتاً امریکایی‌ها حسب شرایط ممکن است نتوانند از چهارچوبی بیشتر‌رود کنند و از اسرائیلی‌ها حمایت کنند. همین الان پس از جنایت گسترده علیه غیرنظامیان می‌بینیم که صدای برخی دولت‌مردان امریکایی و

غربی هم درآمده است.

گاه‌از برخی شنیده می‌شود که انتظار داشتیم مقاومت و حزب‌الله در حمایت از غزه اقدامات بیشتری انجام دهند. آنها به نوعی حزب‌الله را به کوتاهی و قصور در قبال غزه و حماس متهم می‌کنند و می‌گویند آن‌طور که باید به میدان نبرد ورود نکرده است.

اساساً چهار دهه است که ما درحال هزینه دادن برای فلسطین هستیم. اما نقش ما بیشتر حمایتی است. حمایت از مردمی که می‌خواهند از یوغ اشغال آزاد شوند. اما چه کسانی می‌خواهند آزاد شوند؟ ملت فلسطین می‌خواهد که از این ظلم رهایی یابد. مأموریت ما کمک به چنین ملتی است. ولی این به آن معنا نیست که ما به جای او بجنگیم. او خودش برای آژانس‌سازی سرزمینش می‌کند. ما به او کمک می‌کنیم. نکته دوم این است که باز کردن یک جبهه دیگر جنگ آن هم به‌صورت دفعی و همه‌جانبه، ضرورتاً به سود نیست. در جنگ سی و سه روزه سوری‌ها برای کاهش فشار از روی حزب‌الله پیشنهاد دادند که یک جبهه هم آنها از جولان باز کنند. ما در حزب‌الله این پیشنهاد را نپذیرفتیم. چون می‌توانست وضعیت را دشوارتر و وخیم‌تر کند و آن را به سمتی ببرد که خارج از محاسبات ما باشد.

نکته سوم اینکه ما از روز دوم طوفان الاقصی عملاً وارد جنگ شده‌ایم. در مرزهای جنوب لبنان با فلسطین عملاً وارد نبرد با اسرائیلی‌ها شده‌ایم. ما می‌خواستیم این پیام را به اسرائیلی‌ها و امریکایی‌ها ارسال کنیم که غزه تنها نیست. هم اینکه بخشی از توان نظامی رژیم را معطوف به شمال کرده‌ایم تا نتوانند با تمام قوا و تمرکز در غزه بچکنند. چیزی حدود چهل درصد توان رژیم در مرزهای با لبنان مستقر شده است. تا همین امروز حدود شصت شهید داده‌ایم که عدد بسیار بالایی برای حزب‌الله است. به‌طور کلی نباید انتظار اقدام نسنجیده و محاسبه نشده را داشت. مقاومت هرکاری بخواهد انجام دهد نتایج و آثار آن را محاسبه خواهد کرد.

آیا مقاومت فلسطین و در رأس همه، حماس نیز این منطق و استدلال شما را پذیرفته است؟

تا جایی که می‌دانم و در ارتباط هستیم به گمانم خیلی خوب این قضیه را فهمیدند که اگر جبهه دومی از شمال به صورت گسترده باز شود، غزه به سرعت اهمیت خود را در رسانه‌ها از دست خواهد داد و همین دست اسرائیل را برای تشدید جنایت‌هایش بازتر می‌گذارد. با مسأله نباید به صورت عاطفی برخورد کرد. بسیاری از مسائل در نبرد زمینی روشن خواهد شد. غافلگیری‌های اصلی باید آنجا رخ بدهد. امروز در پیشروی زمینی اسرائیلی‌ها متحمل خسارت‌های سنگینی شده‌اند. ناشی از همین سرخوردگی و یأس، امروز صداهایی از میان برخی از محافل اسرائیلی به گوش می‌رسد که آیا می‌توان

لااقل بخشی از حماس را نابود کرد؟ یعنی رفته‌رفته و در پی افزایش تلفات، بخشی از جامعه رژیم صهیونیستی به یک دستاورد حداقلی هم بسنده کرده است.

منظورتان این است که حزب‌الله با شناختی که از وضعیت روانی جامعه اسرائیل دارد، می‌داند که اسرائیل در صورت ادامه این جنگ دوام نخواهد آورد و لذا نیازی به ورود همه‌جانبه حزب‌الله به جنگ نیست؟

ما نکفتیم. خودشان گفتند که ارتش آماده جنگ نیست و مشکلات داخلی دارند. من معتقدم در نهایت اسرائیل از درون فرومی‌پاشد. خیلی از صداها درون اسرائیل هستند که این را می‌گویند که اسرائیل با این اوضاع آشفته چه می‌خواهد بکند؟ یکی از نویسندگان اسرائیلی اخیراً گفته بود که نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم و این جنگ را از ابتدای آن باخته‌ایم. ما معتقدیم که اسرائیل هرگز نمی‌تواند کار حماس و غزه را تمام کند.

برخی حماس را با داعش مقایسه می‌کنند و می‌گویند که حماس نیز مانند داعش زنان، کودکان و سالخوردگان غیرنظامی را کشته است.

ما در هر جنگی موافق حمایت از تمام غیرنظامیان هستیم. این قانون دینی و بین‌المللی و افدائی انسانی تلقی می‌شود. پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) به ما یاد داده‌اند که در جنگ به زنان و کودکان نابالغ ظلم نکنید و حتی مراقب قطع نکردن درختان نیز باشید. این‌ها دستورات اسلام است که ما بدان ملتزم و پایبند هستیم. درعین حال، از دید ما اساساً در اسرائیل غیرنظامی وجود ندارد. حتی شهرک‌نشینان نیز مسلح هستند و هسته‌های داوطلبی نظامی دارند. حتی زنان نیز به سربازی می‌روند و مسلح هستند. اسرائیل یک کشور نظامی با ساختاری جنگی است. به این شکل ساخته شده است. باتوجه به این موضوع، آنها غیرنظامی نیستند و نظامی محسوب می‌شوند. با این حال ما با نیروهای نظامی اشغالگرمی جنگیم. این اسلوب ما نیست که به زن‌ها و کودکان حمله کنیم.

از طرفی حماس اکنون گروهی از اسرارا در اختیار دارد که برخی از آنها نظامی هستند و از آنها برای مبادله با اسیران مرد فلسطینی استفاده خواهد شد. درخصوص آنها هم که به اصطلاح غیرنظامی هستند، حماس در ازای آزادی آنها به صراحت خواستار آزادی تمام اسرای زن و کودکان فلسطینی زیر ۱۸ سال از زندان‌های رژیم صهیونیستی است. حماس آمادگی لازم برای این تبادل را داشت اما حمله زمینی اسرائیل آن را به تعویق انداخت. اسرائیل با مکر و حيله به دنبال تبادل اسرای خودش با آتش‌بس‌های موقت و کوتاه مدت است. این انتخاب و گزینه مقاومت نیست چرا که اگر چنین اتفاقی بیفتد اسرائیل اسرای فلسطینی را تا دم مرگ‌شان آزاد نخواهد کرد. همین الان به کرانه باختری می‌روند و هر روز چندین نفر را اسیر می‌کنند.

فرض کنیم حزب‌الله تصمیم به ورود به جنگ بگیرد. آن وقت رابطه‌اش با متحدان سنتی‌اش مانند جنبش امل و جنبش آزاد میهنی چه خواهد شد؟ آیا آنها گزینه جنگ را می‌پذیرند؟ به تصمیم حزب و پیام‌های آن احترام خواهند گذاشت؟

عجیب است که برخی تصور می‌کنند که حزب‌الله وارد جنگ می‌شود یا نمی‌شود. من می‌گویم حزب‌الله از روز اولی که جنگ شروع شد حماس و غزه را تنها نگذاشت و در روز دوم رسماً وارد جنگ با رژیم شد. لحظه‌ای هم تردید و درنگ نکردیم. به هر حال چهل سال است که ما جزئی از مقاومت و فرهنگ مقاومت هستیم. دقت کنید که ما نه دولت هستیم و نه ارتش که تصمیم به ورود به جنگ داشته باشیم یا نداشته باشیم. ما نیروی مقاومت در برابر اشغالگر و متجاوز هستیم. لذا دائماً ما در وضعیت جنگی هستیم. ولی این بدان معنا نیست که این جنگ ضرورتاً باید گسترده و همه‌جانبه باشد. در گام اول برای زائل کردن اسرائیل، ما می‌بایست دربرابر آن بازاردنگی ایجاد کنیم. آن را به‌طور مستمر رصد کرده و زیرنظر داشته باشیم. قدرت خود را تا آن اندازه افزایش دهیم که فکر تجاوز را از سر بیرون کند. اگر هم او تجاوز را آغاز کرد حتماً پاسخش را بدهیم. نمونه اتفاقی که در موضوع نفت و گاز لبنان اتفاق افتاد.

در هر صورت تا زمانی که اسرائیل هست، ما با آن درحال جنگ هستیم، منتها همیشه جنگ به‌شکل منظم و کلاسیک نیست. بله امروز ما در وضعیت جنگی هستیم اما اعلام جنگ و حمله همه‌جانبه هم نمی‌کنیم. اگر بخواهیم کاری را انجام دهیم، انجام می‌دهیم. اعمال می‌کنیم و نه اعلان. ما در حالت دفاع از سرزمین خود هستیم، ما علناً در کنار مردم فلسطین و مقاومت فلسطین ایستاده‌ایم و از آن حمایت می‌کنیم تا زمانی که تمام سرزمین آنها آزاد شود و دولت مستقل آنها به پایتختی قدس شریف تشکیل شود.

گاهی کلیپ‌هایی منتشر می‌شود از زبان برخی از اهل سنت که شیعیان و حزب‌الله و ایران را رافضی می‌خوانند و به حماس بابت دریافت حمایت از اینها حمله می‌کنند یا لاقال آن را از باب کمک گرفتن از یک کافر برای مقابله با کافری دیگر توجیه می‌کنند. اینها اثر رسانه‌ای بسیار منفی می‌توانند داشته باشند؟ آیا این افراد نسبتی با حماس و گروه‌های مقاومت فلسطینی دارند؟

من به شما می‌گویم مقاومت اسلامی فلسطین جنبشی است که معتقد به وحدت اسلامی است، اختلاف در مذاهب یک امر فقهی است. ما جنبش‌ها و احزاب مقاومت در جهان عرب همگی بطور کلی معتقد به وحدت عربی و اسلامی هستیم. جنبش مقاومت حماس هیچ تعصبی علیه شیعیان ندارد. شیعیان را کافر نمی‌داند بلکه شیعیان و ایرانی‌ها را همسو و شریک مسیر جهادی خود می‌داند. این موضوع مهمی است. ما در این چند دهه چندین رویکردی را در حماس و غیرحماس احساس نکردیم.



باید انتظار داشت که امریکایی‌ها

و اسرائیلی‌ها دست به هر کاری بزنند، نه به هیچ قانونی التزام

دارند نه به هیچ اصول اخلاقی و نه تعهدی به قوانین بین‌المللی و حقوق

بشر دارند.

بویژه در

جنگ با ما

یعنی جنگ

با اعراب و

مسلمانان.

مثلاً اگر

جنگ با

روسیه یا

اروپا یا با

امریکای

لاتین باشد

به هر حال

به سطحی

از قوانین

شاید پایبند

بمانند



برش